

| روایت ملینا |

بسمه تعالی

سروک برای ما دریچه ای به دنیای جدید با افراد جدید گرچه هم دیگر رو ندیدیم ولی در این دوره می سروک چنان با هم خو گرفتیم که دلتنگ یکدیگر میشویم و در پروژه های مختلف مسیرهای مختلفی را با یکدیگر طی کردیم و از تجربیات یکدیگر آموختیم و در این هم راهی با هم لذت بردیم طوری دیگری به دنیای اطرافمان نگاه کردیم و فهمیدیم که کوچکترین چیزها که از نظر بعضی ها خیلی به حساب نمی آیند می تواند بزرگترین تغییرها را در مسیر زندگی ما ایجاد کنند.

چیزی که من برای گفتگو انتخاب کردم پاک کن هست.

حالا شاید براتون سوال بشه چرا پاک کن؟! تقریباً هر روز ازش استفاده می کنم و همیشه در غلط و اشتباهات من و تو نوشته ها و نقاشی هابم را پاک می کنه.

اول از همه **ماجد** گفت وگورو با پاک کن شروع کرد.

ماجد: من عاشق اسم پاک کن هستم اصلاً لغت پاک کن رو خیلی خیلی دوست دارم یه عالمه معنی توش داره اولین سوالم از پاک کن اینکه که یه ذره از ظاهر و قیافه ات بگو تو هم از نژاد پاک کن های خوش بو هستی؟! چند وقته با ملینا آشنا شدی؟

پاک کن: راستش من از نژاد پاک کن های خوشبو و خوش رنگ نیستم یک پاک کن سفید ساده هستم تقریباً دو تا سه سال که ما با ملینا آشنا شدم.

اینجا علی وارد گفتگو میشه: سلام پاک کن گل، به عنوان اولین سوال بپرسم که به نظر خودت تا حالا چند تا از اشتباه های ملینا را پاک کردی تخمینی داری!؟

پاک کن: من که دیگه شمارش از دستم در رفته ولی تقریباً میشه گفت ۱۶۸۰ بار در سال من اشتباه های ملینا رو پاک کردم.

علی: چه عدد بزرگی! دلم میخواد بدونم که تو چه حسی داری از اینکه واسه اصلاح اشتباهات ملینا سیاه میشی و ذره ذره کوچیک و کوچیک تر میشی؟

پاک کن: راستش اولش ناراحت می شدم که به خاطر اشتباه های ملینا من کوچیک میشم اما وقتی یاد این میوفتم که این میتونه به پیشرفت ملینا کمک کنه حالم بهتر میشه و حس بهتری پیدا می کنم

علی: چقدر مهربون و از خود گذشته چطور چنین احساس عمیقی به ملینا پیدا کردی!؟

پاک کن: از اونجایی که من تو مغازه بین اون همه از دوست های رنگارنگ و جور واجورم بودم اما ملینا منو انتخاب کرد

علی: چه جالب فکر میکنی ملینا با این کارش به تو زندگی داد؟

پاک کن: آره انگار یه زندگی جدید را شروع کردم

ماجد: تا حالا شده ملینا در حالی که اشک میریزه چیزی رو پاک کنه؟ ماجرا چی بوده؟! چرا اشک می ریخت چی رو پاک می کرد؟

پاک کن: آره شده در حال نقاشی کشیدن اشک می ریخت...

ماجد: چرا من نفهمیدم چرا اشک میریخته یاد چیزی افتاده؟!؟

پاک کن: یه سری از خواهرش ناراحت شده بود و اشک می ریخت

همین جاست که **سام** وارد گفتگوی پاک کن و بقیه میشه:

سام: پاک کن به نظرت وقتی ملینا ازت استفاده میکنه خودش خوشحال یا ناراحت؟

پاک کن: بستگی داره چه موقعی باشه مثلاً یک وقتی هست باید همشو پاک کنه و از اول شروع کنه به نظرم برایش ناراحت کننده است...

سام: چرا اینجوری فکر می کنی؟

پاک کن: چون فکر این که این همه راه اومدی دوباره باید برگردی خونه اول به نظر من ناراحت کننده است.

سام: به نظر من برگشتن به خونه اول خودش بخشی از مسیر درست میگم ملینا...

ملینا: درسته اما این مسیر ناراحت کننده ای هست

سوگل: سلام پاک کن، من سوالم اینه که چرا خودکار رو پاک نمی کنی میدونی چه ظلمی در حق ما دانش آموزان انجام میدی؟

پاک کن: والا ما این همه از چیز رو براتون پاک میکنیم ولی در این مورد می تونید از غلط گیر استفاده کنید خودکار یکم سطحش از ما بالاتره

سوگل: از نظر خودت بی ارزشی چون از نظر من به تو توجهی نمیشه با اینکه کاربرد زیادی داری و مدام در حال پاک کردن اشتباهات در کمک به ما هستی پس این حس بی ارزش بودن چه حسی داره برام توضیح میدی حس نمیکنی ازت سو استفاده میشه؟

پاک کن: من احساس بی ارزشی نمیکنم چون من برای این کار ساخته شدم و درسته که به منو امسال من توجه نمیشه اما این چیزیه که مابرای این کار به وجود آوردیم...

سوگل: ملینا از تو یه سوال دارم پاک کن یک دوستی برای توعه که اشتباهاتی که در نوشتن یا کشیدن میکنی رو برات جبران میکنه به این فکر کردی که اگر در آینده توی واقعیت اشتباه بکنی چه کسی یا چه چیزی برای تو نقش پاک کن داره؟!

ملینا: بعضی از اشتباهات رو میشه جبران کرد اما بعضی از اشتباهاتمون جبران نمیشه و باید ارزش درس بگیریم.

سوگل: ملینا پاک کن تو با اینکه نوشتت رو تمیز میکنه ولی نمیتونه از بین ببردش و همیشه چیزی محو از کشیده تو میمونه و نابود نمیشه. اگه بخوای از این چیزی که گفتم یه درس زندگی یاد بگیری اون چیه؟ میشه گفت هر عملی که ما انجام میدیم رو با هیچ عملی نمیتونیم کامل جبران کنیم؟ میتونیم از

پاک کن یاد بگیریم که کمتر اشتباه کنیم؟ من میخوام از همینجا شروع کنم که کمتر اشتباه بنویسم و بکشم و بیشتر دقت کنم تا یاد بگیرم توی زندگی هم همینطور باشم. تو باهام موافق و همراه میشی؟

ملینا: درس زنگی که میتونیم یاد بگیریم اینکه صحبتی که میکنیم هر چقدر هم که معذرت خواهی کنیم از بین نمیره شاید در ظاهر طرف مقابل ما رو ببخشه اما اون اثرش از بین نمیره پس باید یاد بگیریم که کمتر اشتباه کنیم.

و در آخر **سام** سوالی می‌پرسه: آیا تو فکر می‌کنی همیشه به یادگیری کمک می‌کنیم؟ مثلاً آیا فکر کردی که در مواردی اگه تو نبودی یادگیری آدمها چه جوری می‌شد؟

پاک کن: آره چون اگه من نبودم اشتباهات پاک نمیشد و باعث میشد انسان دچار دوگانگی فهمیدن مطلب بشه...